

# لوئیزا می آلکوت

## (Louisa May Alcott)

ترجمه و گردآوری: مینا اخباری آزاد



Children's literature Review, Vol.1,38,  
1976, 1996

زمانی که لوئیزا یازده ساله بود، پدرش براساس افکار آرمانی خود، کوشید تا گروهی تشکیل دهد که در مکانی خاص در کنار هم کار کنند و زندگی آرامی داشته باشند. البته تلاش پدر بی نتیجه ماند و خانواده آلکوت، سرانجام به «کونکورد ماساچوست» نقل مکان کردند.

لوئیزا در سیزده سالگی، نمایش نامه‌ای نوشت و در

انبار خانه، آن را به اجرا درآورد. او شخصیت «دوک دوریگو» را خلق کرد و به نمایش درآورد؛ شخصیتی که با چکمه‌های قهوه‌ای بلند چرمی‌اش قدم برمی‌داشت. این حضور موفق، انگیزه‌ای شد که او صدها شعر، نمایش نامه و داستان بنویسد.

چون پدر لوئیزا بیشتر در امور خیریه و آموزشی مشغول به کار بود، درآمد چندانی نداشت و خانواده با فقر دست به گریبان بود. به همین علت لوئیزا مجبور شد در همان دوران نوجوانی، برای کمک به خانواده خود، به کار خدمتکاری در خانه‌ها روی آورد. همین امر سبب شد تا آلکوت در شانزده سالگی (۱۸۴۸)، اولین اثر قابل قبول خود را به نام «بهترین افسانه‌ها»<sup>۲</sup> به رشته تحریر درآورد.

یکی از ویژگی‌های بارز شخصیت لوئیزا، پشتکار وی در انجام کارهایش بود. برای او نوع کاری که انجام می‌داد، مهم نبود؛ تدریس، نویسندگی، بازیگری و یا خیاطی تنها چیزی که برای او اهمیت داشت، کمک به خانواده بود.

لوئیزا آلکوت در مدت چهار سال کار نویسندگی، رمان‌های پراحساس و نیز جدی بسیاری برای نوجوانان خلق کرد. سرانجام او همان طور که خودش آرزو داشت، به ثروت و خوشبختی رسید. آلکوت در سال ۱۸۸۸، به دنبال یک بیماری، در روز تدفین پدرش که عاشقانه به او عشق می‌ورزید، در ۵۵ سالگی، در شهر باستن درگذشت.

### بررسی آثار

آلکوت در سال ۱۸۶۳، مجموعه داستانی به نام «داستان واره‌های

لوئیزا می آلکوت، نویسنده آمریکایی رمان و داستان‌های کوتاه، برای خوانندگان همه گروه‌های سنی است. اکثر نوشته‌های آلکوت شرح حال گونه، در قالب داستان، شعر و آثار غیر داستانی است. از جمله مشهورترین آثار وی می‌توان به رمان «زن کوچک» اشاره کرد که در سال‌های ۶۹ - ۱۸۶۸ میلادی به رشته تحریر درآمد.

مخاطب این کتاب دختران هستند و آلکوت، این اثر را با استفاده از الگوی زندگی خود و خواهرانش لوئیزا، الیزابت، آنا و می (May, Annie, Elizabeth, Louisa) خلق کرده است.

آلکوت کتاب «مردان کوچک»<sup>۱</sup> را نیز به دنبال این اثر، در سال ۱۸۷۱ نوشت این آثار در زمره آثار کلاسیک و اخلاقی درآمد و به زبان‌های مختلف منتشر شده‌اند.

### زندگی نامه نویسنده

لوئیزا می آلکوت، در ۲۹ نوامبر سال ۱۸۳۲، در شهر جورج تاون (George Town) ایالت پنسیلوانیای آمریکا متولد شد. او دومین فرزند از چهار دختر خانواده آلکوت بود. پدرش آموس برونسون آلکوت (Amos Bronson Alcott)، فیلسوفی از نیوانگلند (New England) و مادرش آبی جیل می آلکوت (Abigail May Alcott) نام داشت. آلکوت و خواهرانش به مدرسه نرفتند و مادرش در خانه به آن‌ها علاوه بر درس، آشپزی و خیاطی را نیز آموزش داد. والدین آلکوت معتقد بودند که دانش‌آموزان باید به جای حفظ کردن مطالب، بیشتر فکر کنند. آن‌ها دختران خود را تشویق کردند تا احساسات و تجربه‌های مختلف خود را در قالب داستان در مجلات چاپ کنند. خلاف خانواده‌های آن زمان، خانواده لوئیزا اعتقاد داشتند که بچه‌ها زمان بیشتری بیرون از خانه باشند؛ به خصوص برای این که با طبیعت آشنا شوند.

بیمارستان»<sup>۴</sup> منتشر کرد. در واقع این اثر، حاصل دوران پرستاری وی در بیمارستان نظامی «جورج تاون»، به هنگام جنگ داخلی آمریکا بود. وی برای کسب درآمد، مجبور شد با اسامی مستعار، رمان‌های بازاری بنویسد. مدتی نیز در مجلات نوجوانان، داستان‌های ترسناک و عاشقانه می‌نوشت و در سال ۱۸۶۷، برای مدتی سردبیر یک مجله مخصوص نوجوانان، به نام «مریز میوزیوم» (Merrig's Museum) شد.

مهمترین آثار دیگر آلكوت عبارتند از:

- بدخلقی‌ها، ۱۸۶۵.

- زنان کوچک (دو جلد)، ۱۸۶۸.

- دختر امل<sup>۵</sup>، ۱۸۷۰.

- مردان کوچک، ۱۸۷۱.

- سبديات عمه جو<sup>۶</sup> (شش جلد)، ۱۸۷۲-۱۸۸۲.

- هشت عموزاده<sup>۷</sup>، ۱۸۷۵.

- گل رزشکوفای<sup>۸</sup>، ۱۸۷۶.

- پسران جو<sup>۹</sup>، ۱۸۷۸.

- زیر بوته یاس<sup>۱۰</sup>، ۱۸۷۸.

- جک و جیل<sup>۱۱</sup>، ۱۸۸۰.

- حلقه گلی برای دخترها<sup>۱۲</sup>، ۱۸۸۸.

از بین آثار نام برده، دو تا سه اثر به فارسی ترجمه شده که از جمله می‌توان به رمان زنان کوچک، مردان کوچک و سرگذشت رز اشاره کرد. شاید توجه بیشتر به ترجمه آثار آلكوت، خالی از لطف نباشد.

طرح و شخصیت‌های داستانی آثار آلكوت

اکثر آثار آلكوت، شرح حال گونه است. وی در داستان‌های خود، رفتار عوام فریبانه افرادی را که به رعایت اصول اخلاقی و ادب تظاهر می‌کنند و در خفا، به بدگویی از دیگران می‌پردازند، مورد انتقاد قرار می‌دهد. در کتاب‌های آلكوت، ارزش‌های متنوعی مثل شخصیت‌پردازی‌های کوتاه درباره افراد، گفت‌وگوهای دقیق میان آن‌ها و ذکر جزئی‌ترین خصوصیات هر یک، بهره گرفته که گاهی این جزئیات، با عاطفی‌ترین نتایج اخلاقی در آمیخته که درک آن‌ها برای کودکان نه تا ده ساله مشکل است. در این سنین، اکثر کودکان به چنین جزئیات پرطول و تفصیلی بی‌اعتنا هستند و بیشتر علاقه دارند ببینند عاقبت داستان به کجا می‌انجامد.

در واقع شخصیت‌پردازی‌های خاص آثار آلكوت، به گونه‌ای است که قهرمانان داستان به شکل مستقیم با مشکلات عاطفی درگیر شده و در همین سرگردانی‌هاست که خواننده، شخصیت‌های نوجوان آثار وی را می‌شناسد و برای شناخت هر چه بیشتر آن‌ها، شیفته ادامه داستان می‌شود.

دختران و پسران کتاب‌های آلكوت، آدم‌های خیلی پیچیده‌ای نیستند؛ گرچه از نظر شخصیتی ابعاد متفاوتی دارند هر بعد شخصیتی آن‌ها، به طور واضح و بدون کوچک‌ترین کاستی، به تصویر کشیده شده است. در ضمن ویژگی‌های آن‌ها، چه منفی و چه مثبت، از شخصیت‌های دوره ویکتوریا (Victorian) تأثیر گرفته است. مع ذلک به نظر می‌رسد که خوانندگان ده تا دوازده ساله این داستان‌ها، از نظر ذهنی دچار پیچیدگی‌های روان‌شناسی می‌شوند که تاکنون در هیچ نوشته‌ای با آن رو به رو نشده‌اند.

بدون شک آلكوت در آثار خود از اثر تمثیلی، مذهبی «سیر و سلوک زائر»<sup>۱۳</sup> نوشته واعظ مشهور انگلیسی، جان بن یو (John Bunyan) الهام گرفته؛ به خصوص در کتاب «زنان کوچک»، از روش موجزگویی این نویسنده بهره گرفته است.

اگرچه داستان‌های کوتاه آلكوت، تحت الشعاع رمان‌های بلند او قرار گرفته، این آثار نیز از نشاط و سرزندگی سرشار است و در عصر حاضر، مطالعه مجدد آن‌ها ارزش بسیاری دارد. این داستان‌ها چنان زندگی واقعی را به تصویر می‌کشند که

در بسیاری مواقع، فراموش می‌کنیم، تاریخ این داستان‌ها به حدود یک صد و پنجاه سال پیش باز می‌گردد. در اصل می‌توان گفت که هنر واقعی نویسنده، بیشتر در به تصویر کشیدن نمونه‌های واقعی است تا موعظه کردن برای خوانندگان خود.

در داستان‌های آلكوت، نوجوانان اوقات خوشی را با هم گذرانده، از امنیت و روابطی گرم لذت می‌برند. هر دو داستان «مردان کوچک» و «زیر بوته یاس»، به شرح ماجرای پسری کوچک و تنها می‌پردازد که عاقبت، از خانه‌ای گرم و محبتی که به آن نیاز دارد، برخوردار می‌شود. توجه به ارزش‌های انسانی در آثار آلكوت، شناخت او از جوانان و احساس یگانگی با آن‌ها، باعث جذابیت نوشته‌های او برای خوانندگان شده است.

آلكوت کتاب «زنان کوچک» را براساس زندگی خانوادگی خود نوشته. این اثر در واقع اقتباسی است روان، حقیقی و البته همراه با شوخ طبعی از سرگذشت اعضای خانواده، خودش، اقوام و دوستان‌شان. او جلد اول این کتاب را تنها در عرض شش هفته نوشت.

چهار شخصیت اصلی داستان زنان کوچک، «مگ» (Mag)، «جو» (Jo)، «بت» (Beth) و «ایمی» (Amy) هستند که در حقیقت آلكوت، شخصیت جو را به عنوان دومین فرزند خانواده، از خصوصیات دوران نوجوانی خودش الهام گرفته است. محدوده سنی این چهار خواهر، در شروع داستان، بین ده تا شانزده سال است. نویسنده تلاش می‌کند تا با توصیف شخصیت و نوع نگرش هر یک از آن‌ها نسبت به زندگی، به خواننده نشان دهد که با درون‌گرایی و تلاش سخت، می‌توان بر خصلت‌هایی منفی مانند عصبانیت، خودخواهی و غرور غلبه کرد. شاید بتوان گفت که زنان کوچک، اولین داستانی است که این چنین، نقص‌های اخلاقی شخصیت‌های اصلی و مثبت داستان را مطرح و اولین اثر منتقدانه و موافقی است که در اواخر قرن نوزدهم، توجه خوانندگان بسیاری را به خود جلب کرده است.

آلكوت پس از انتشار زنان کوچک، پیام‌های بسیاری از دختران جوانی دریافت کرد که مشتاق بودند شخصیت‌های اصلی را که داستان براساس زندگی آن‌ها نوشته شده بود، هر چه بیشتر بشناسند. به همین دلیل در ۱۹۰۳، خواهر لوییزا، آنی آلكوت پرات (Annie Alcott Pratt) (که در داستان زنان کوچک مگ نامیده شده)، در نامه‌ای سرگشاده در مجله «نیکولاس» (Nicholas) شرح داد که او و لوییزا اکنون «زنان پا به سن موقری هستند که تقریباً چهل سال از سن‌شان می‌گذرد، با همان مشغله‌ها و مشکلاتی که مردم عادی درگیر آن هستند و اگرچه تقریباً تمام ماجراهای کتاب واقعی است، مع ذلک همه چیز دقیقاً به آن نحوی که شرح داده شده، اتفاق نیفتاده است.»

#### طرح و شخصیت‌های اصلی داستان زنان کوچک

داستان با گلایه‌های چهار دختر «خانواده مارچ» (March family) از کریسمس غم‌انگیز، شروع می‌شود:

خانواده با فقر دست به گریبان است و پدر خانواده در خدمت ارتش به جنگ رفته است و نمی‌تواند کریسمس را در کنار خانواده باشد. خواهرها از وضعیت زندگی خود معذب و شرمگین هستند، ولی مادر با خواندن نامه‌ای از پدرشان آن‌ها را خوشحال می‌کند: «... می‌دانم وقتی که به خانه بازمی‌گردم... بیش از پیش شیفته زنان کوچک خود شده و به آن‌ها افتخار می‌کنم.» و به این ترتیب، هر یک از دخترها با بازگویی نقاط ضعف اخلاقی خود، قول می‌دهد که در غیبت پدر، رفتار متعادل‌تری در پیش گیرد.

چهار شخصیت نوجوان داستان، به ترتیب سن عبارتند از مارگارت (مگ) که از همه بزرگ‌تر است و شانزده سال دارد. او دختری بسیار زیبا، با پوستی سفید و چشمانی درشت، موهایی پرپشت، لخت و خرمایی، دهانی قشنگ و داستانی سفید است که تا حدودی به آن‌ها می‌بالد. او بیش از حد به سر و وضعش اهمیت می‌دهد و کارکردن را دوست ندارد، بلکه بیشتر عاشق لباس‌های زیبا و زندگی پرتجمل است.

دختر دوم خانواده جو (جوزفین) (Josefin)

نام دارد. او پانزده ساله، قد بلنده لاغراندام و سبزه است و آدم را یاد کرده اسب می‌اندازد؛ چون انگار هیچ وقت نمی‌داند با دست و پاهای بلندش چه کند. دهان او حالتی مصمم به چهره‌اش می‌دهد، ولی دماغش کمی خنده دار است. جو چشمانی تیزبین و خاکستری دارد که انگار همه چیز را می‌بیند. او گاه خشمگین، گاه مضحک و یا فکور به نظر می‌رسید. یکی از زیبایی‌هایش موهای بلند و پریشانش است که او معمولاً آن‌ها را با تور می‌بندد تا مزاحمش نباشد. جو چارشونه است، دستان و پاهایی پت و پهن دارد و در لباس پوشیدن شلخته است و برای همین هم عذاب می‌کشد. جو به سرعت رشد می‌کرد و از یک دختر تبدیل به یک زن می‌شد؛ یعنی همان چیزی که اصلاً دوست نداشت.

جو فکر می‌کرد خوش اخلاقی در خانه، سخت‌تر از جنگیدن با شورش‌های جنوبی در

جبهه است و سعی می‌کرد وحشی و خشن نباشد و به وظایفش در خانه عمل کند. جو رفتاری پسرانه و افکاری منحصر به فرد دارد. او به نوشتن داستان و اجرای نمایش‌های خاص خود در خانه، بسیار علاقه دارد. او گاه بسیار مهربان و گاهی بسیار بی‌رحم به نظر می‌رسد. او حتی یک بار برای کمک به خانواده، موهای زیباییش را فروخت. ولی یک بار به دلیل آن که ایمی، کتابچه داستان‌های تألیفی او را در آتش انداخته و سوزانده بود، در هنگام اسکیت بازی روی یخ دریاچه، هیچ هشدار به ایمی نداد و ایمی به دریاچه یخ زده افتاد و نزدیک بود که جان خود را از دست بدهد.

سومین دختر خانواده، الیزابت و یا همان طور که صدایش می‌کردند، بت، دختری است سبزه ساله و سرحال، با موهای صاف و چشمانی درخشان. او خجالتی و کم حرف است و چهره‌ای آرام دارد که به ندرت دچار اضطراب می‌شود. پدرش او را «آرامش کوچولو» صدا می‌کند و این اسم کاملاً برازنده اوست. بت در دنیای شاد خودش زندگی می‌کند و فقط گاهگاهی جرأت به خرج می‌دهد از دنیای درون خود خارج می‌شود تا با چند نفری که به آن‌ها اعتماد داشت و مورد علاقه او بودند، ارتباط برقرار کند. بت در خانه، تمام مدت سرگرم کار است و مواقعی هم که کاری نداشت، سرگرم بافتنی می‌شد تا مبادا وقتش را تلف کند. تنها چیزی که بت به آن علاقه فراوان دارد، نواختن پیانو است.

ایمی با این که کوچک‌ترین دختر خانواده است، اما - حداقل از نظر خودش - مهم‌ترین دختر به شمار می‌رود؛ دختری با پوست سفید مثل برف، چشمانی آبی و موهایی طلایی که حلقه حلقه روی شانه‌هایش ریخته. او رنگ پریده و باریک اندام است و همیشه می‌کوشد مواظب رفتارش باشد. اما چیزی که ایمی را رنج می‌دهد، دماغ کاملاً پهن او است که گاهی باعث می‌شود دیگران او را مسخره کنند.

مادر خانواده، «مارمی مارچ» (Marmee March) زنی بلند بالا، بسیار مهربان و با درایت، صبور و زحمت‌کش است که می‌کوشد علی‌رغم همه مشکلات خانواده، اعم از دور بودن پدر، فقر، تعداد زیاد بچه‌ها و غیره... فرزندان خود را به بهترین نحو تربیت و به امور خانه رسیدگی کند. او با هدیه‌های بسیار کوچک و ناچیز، دختران خود را شاد می‌کند و عشق به زندگی را در آن‌ها پرورش می‌دهد. «دلاری» نوه آقای «لارنس» که در همسایگی آن‌ها زندگی می‌کند، با جو که بیشتر روحیات پسرانه دارد، دوست می‌شود و رابطه عمیقی بین او و دیگر اعضای خانواده پدید می‌آید.

از دیگر شخصیت‌های این داستان، می‌توان به آقای لارنس، عمه مارچ، آقای بروک - معلم سرخانه لاری - اشاره کرد.



کتاب دارای ۲۳ بخش مجزاست و منتقدان بر این عقیده‌اند که هر بخش به تنهایی یک داستان کوتاه و کامل است. مثلاً در بخش نهم، با عنوان «مگ به بازار خودنمایی می‌رود»، مگ همان طور که آرزو دارد، به جمع دوستانش تجمل‌گرایی خود می‌پیوندد و پس از آن که دوستانش به او لباس‌های مضحک می‌پوشانند و مثل عروسکی انگشت‌نما او را آرایش می‌کنند، احساس حقارت می‌کند و درمی‌یابد که بیش از حد معمول، به ظاهر خود توجه نشان می‌دهد و همین نقطه ضعفه او را مضحکه دیگران ساخته است. در بخش دیگری از کتاب، به نام «دره تحقیر ایمی» ایمی درمی‌یابد که نباید برای فخر فروشی به دوستانش در مدرسه، تن به هر کاری داده و خلاف قوانین مدرسه عمل کند.

شخصیت‌های کتاب در طول داستان، ماجراهای بسیاری را از سر می‌گذرانند و در انتهای داستان، مگ با آقای بروک ازدواج می‌کند و جو هم با دکتر باوئر (Baher)، پروفیسور آلمانی. در ضمن، جو به نویسندگی ادامه می‌دهد. بت دختر خجالتی و حساس خانواده، پس از یک بیماری، جان خود را از دست می‌دهد؛ درست مانند خواهر واقعی خانم آلکوت، الیزابت (Elizabeth) یا لیزی (Lizzie). ایمی هم به فراگیری هنر می‌پردازد، به سراسر اروپا سفر می‌کند و لاری را به همسری برمی‌گزیند.

#### جوایز تعلق گرفته به کتاب زنان کوچک

در سال ۱۹۶۸، نسخه‌ای از کتاب زنان کوچک، به تصویرگری جسی وبلکاکس اسمیت (Jessie willcax Smith)، جایزه «لویش کارول شلف» (Lewis Carroll shelf Award) را به خود اختصاص داد.

- 1) little women.
- 2) little men.
- 3) Flower Fables.
- 4) Hospital sketches.
- 5) Moods.
- 6) Old-fashioned Girl.
- 7) Aunt Jo's scraf-bag.
- 8) Eight Cousins.
- 9) Rose in Bloom.
- 10) Jo's Bog's.
- 11) vnder the Lilac.
- 12) Jack and Jill.
- 13) The Daisg chain.
- 14) Pilgrim's Progress.

#### منابع و مأخذ

- ۱) آلکوت، لوییزا می: زنان کوچک، ترجمه فرزین مروارید، تهران، کتاب‌های بنفشه، ۱۳۷۶.
- ۲) آلکوت، استال: سرگذشت‌رز، ترجمه هما زاهدی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵.
- ۳) متی شل آشر، ساندرا: لوییزا می آلکوت، نویسنده کتاب زنان کوچک، مترجم مینا اخباری آزاد، سلام بچه‌ها، شماره ۱۱۶، آبان ۱۳۷۸.